

# وظایف نیروم در سال تحصیلی جدید

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته کردستان

با آغاز سال تحصیلی در هر جامعه‌ای و یکی از فعالترین و پرچونترین حوزه‌های زندگی اجتماعی آثار بکار سبکده حوزه‌ای که در آن نسل جوان با انرژی بی‌کران به کوشش دست آورد های بشری در زمینه‌های مختلف مکتب و پدید های طبیعی و اجتماعی پرداخته و با تشریح خود در این فعالیت‌ها و بوی تازه ای هم به جامعه می‌دهند. آموزش بقیه در مقدمه

## نیرو فایده‌ها برای رهایی

### خلق کرد!

مناسبات سرمایه داری در جامعه ایران به تیره ای خاص یعنی ارتجاعی و از پاره شتری باعث تحوله رشد سرمایه داری ایران بدلایل و زنگ آن یعنی وجود منابع نفت سرشار (جهت شکل گیری اقتصاد استخراجی) و سلطنت مرموز بقدر (جهت اقتصاد دولتی) و بدلیل نیاز های بازار جهانی سرمایه داری بدین طریق بود که پیشروی این مناسبات در حوزه های مختلف و متناسب با خود موجب پستی شدن جامعه ایران حاصل بدترین نوع ناآموزشی و افتخار بیخیز آن به اقتصاد تک محصولی نفت بود. تهنیتی رژیم ارتجاعی و بقیه در مقدمه

شماره این شماره  
۱۲  
مجموعه پنجمین

علیات پیشترگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در جاده مهاباد - سردشت  
مجموعه پنجمین  
خودروهای دانشمندان  
مجموعه ۱۲

# استقلال، آزادی، حکومت شورایی

برنامه تولیدی

تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده جدا میشوند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت هدایت این نیروی کار آزاد نمی راند است .

تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده جدا میشوند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت هدایت این نیروی کار آزاد نمی راند است . تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده جدا میشوند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت هدایت این نیروی کار آزاد نمی راند است .

تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده جدا میشوند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت هدایت این نیروی کار آزاد نمی راند است . تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده جدا میشوند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت هدایت این نیروی کار آزاد نمی راند است .

کشور ایستاده نشاندند و ضعیف تریق الساده تولید کشاورزی و خانه خرابی و هتالان است . بحران سرمایه داری در تمام کشورهای سرمایه داری و نحوه نظامی هستند آن در ایران را پشت پرده کرده بحران اقتصادی نادر به روز بحران سیاسی در کسل جامعه شد . بود انقلاب ۵۷ برای بیرون آمدن جامعه از تنگنای بحران اقتصادی بود و اما با بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی به بر اساس نظامی تولیداتی خود به باز سازی صنایع تولیدی پرداخت ، فسیلات اساسی در ساخت و نسوز شد و دولت سرمایه داری آن رونق نپسوست .

تمام تنگنایات نامیای سرمایه داری و نحوه رشد آن و هرگز نشان بهترین یکی از مناطق عقب ماند و ایران مراقب خود را بر جای گذاشته است . شهرهای گردستان نمانند صنایع بزرگ بود و و شیوه عقب ماند و تولید به حیات خود ادامه داد و در ازای آن به بازار مصرف کالا های سرمایه داری تید پسلی گردید و است ، نحوه رشد سرمایه داری به روشنگری و خانه خرابی تولید کنندگان کوچک شهری ضعیف گشته است ، اما از طرف دیگر بدلیل عدم وجود صنایع بزرگ و مراکز تولید صنعتی و دولت سرمایه داری امکان جذب نیروهای



فغان و بیکاری آشدار و پنهان دامنگیر یخس  
قابل توجهی از نیروهای فعال شهرهای  
کردستان گردیده است.

پرولتاریای صنعتی در کردستان از وزن  
قابل توجهی برخوردار نیست اما کسترش  
سرمایه داری یا به پای خود و شجره بوجود  
آمدن کارگران کارخانه‌های و ساختمانی  
که معمولاً بخش اعظم پرولتاریا در مناطقی از  
این نواح را به خود اختصاص میدهند، گردیده  
کارگران خدماتی همسران شهرداری و  
نانوایی، سیم کشی و نقاشی و کارگران حمل و  
نقل و غیره و کارگران ساختمانی و عملی و  
کارگران کارخانه‌های و نظایر آن کسب کرده‌اند  
از طبقه کارگر در شمار آنها را تشکیل میدهند.  
که بدلیل عدم وجود بخشهای مولد در حد  
کافی و کسترش بیکاری و از سنت‌ترین شرایط  
میشستی برخوردارند. یخس‌های مختلف  
توده‌های شهری و از کارگران و خود تولید  
و توزیع کنندگان تا خرد و بزرگ‌تری جدید که  
جذب ادارات دولتی و غیره شده‌اند و علاوه  
بر استثمار یا ستمی که تحت تاثیر مناسبات  
مسلط تولید بر آنها وارد می‌آید و بدنیسل  
عقب ماندگی منطقه تحت فشار مناسبات قرار  
دارند.

روستا‌های کردستان به عقب‌ماندترین  
بخشهای قطب کج‌گامه مان تعلق دارند و اهالی  
آنها از نازلترین سطح زندگی در سراسر ایران  
برخورد دارند. نحوه رشد سرمایه داری عروستا  
عنا را نیز به بازار مسرب کالا‌های سرمایه‌داری  
تبدیل کرده و آنها را روابط مبادلاتی و ارزش  
تولیدات کشاورزی را سر روز بیس‌زایش در  
سطح پائین تری قرار میدهند. کوچک بودن  
قطعه زمین روستا‌های یکی از علل پائین  
بودن مولدیت کار در روستا‌های کردستان  
است. گذشته از این زمین بدون وجود آب  
مناسب و آبیاری از آبی چندانی برخوردار نبوده  
لازمه آبرسانی به زمینها برخوردار از امکانات  
فوق‌العاده است که تامین آن از عبده  
دفعاتان فقیر و ته‌دست خارج است. علاوه  
بر این بالا بودن مولدیت کار در کشاورزی  
از یک طرف در گروه‌های تولید بیشترند و  
ماتین آلات مدرن کشاورزی است و از طرف  
دیگر نیازمند بدو کود مناسب و نظایر اینها  
میشد که این دو در فروشهای مالی است  
دفعاتان کردستان نیز از مجموعه عوامل فوق  
بی بهره بوده و در شرایطی که در زمینهای  
کوچک و نامناسب با برخورداری از کمبود

کردستان صنعتی در ایران صنعتی، با قدرت شورائی ایجاد باید گردد!

## برنامه ها

دائمی آب و با ابتدائی ترین وسائل تولید و با شیوه های عقبه پلینه به کشاورزی میرد از تک بازده تارشان دائما به سطح پائین تری سقوط میکند. مجموعه عوامل فوق خرد تولید کنندگان روستائی را یا شناب فوق العاده به ورشکستگی رسانه خردلی نشانده و آنها را به بازار فروش نیروی کار میمانند. بدین ترتیب بخشی از دهقانان خانه خراب مدت کوتاهی در سال به تار بر روی زمینهای دهقانان میانه حال و مرقد پرداخته و بقیه بصورت کارگران فصلی روانه شهرها میشوند. اما از طرف دیگر شهرهای کردستان قدرت جذب این نیروی کار را نداشته و این اضافه جمعیت نسبی و برای یافتن کار را روانه شهرهای سایر مناطق ایران میشوند. فروش نیروی کار در شرکتهای ساختمان و راه سازی و کوره پزخانه ما و یکی از عمده ترین وسایل تامین درآمد این بخش از روستائیان را تشکیل میدهد. بخشی از دهقانان فقیر فاقد زمین بوده و یا خانه و زمین خود را رها کرده و آواره شهرها میشوند. بخش دیگر که دارای زمین نیستند و پرولتاریای روستائی را تشکیل میدهند با کار بر روی زمین دیگران یا کار بصورت آراگر فصلی در شهرها و هنرنامه معاش خود را بدست میآورند. اما علاوه بر

اینها بخش قابل توجهی از دهقانان که کار بر روی قطعه زمین کوچکشان سهم ناچیزی از هزینه زندگی آنها را تامین میکند نیز برای بدست آوردن بقیه آن و چندین ماه از سال را روانه شهرها شده و بکار مشغول میشوند. این بخش از دهقانان که بصورت کارگر فصلی در شهرها و روستاها به فروش نیروی کار خود میرد از تک و نیمه پرولتاریای روستاها را تشکیل میدهند. پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستا و همچنین خرد تولید کنندگان میانه حال که در برابر خود زمینداران بزرگ قابل توجهی را نیز متاسفانه نمیکند و از سخت ترین شرایط معیشتی برخوردارند. راه توسعه اقتصادی کردستان چیست؟ در برخورد با معضلات اقتصادی اجتماعی کردستان در کلی ترین شکل آن و پیش از دو راه حل وجود ندارد. هر راه حل دیگری - ضرورتا در انطباق با ایندو بوده و در نهایت به یکی از آنها منتهی خواهد شد. راه حل اول صنعتی کردن ارتجایی بیروکراتیک و دوم صنعتی کردن انقلابی دموکراتیک کردستان است. اولی صنعتی کردن از بالا و بیفلس سرمایه داران و زمینداران و نه ضرورتا زمینداران بزرگ و دوم صنعتی کردن از پائین و بیفلس طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش روستا



دسته جمعی کردن آن از طریق ایجاد تعاون  
های داوطلبانه دهقانی است. بدون یا لا  
بردن تولید کار در تولید کشاورزی که در  
گروه استفاده از ابزار و شیوه های پیشرفته  
تولید است حل مشکل کشاورزی به امری واجب  
تبدیل خواهد شد. دسته جمعی کردن  
تولید کشاورزی از طریق تعاونیهای داوطلبانه  
دهقانی بر اساس تکمیل نوبت، اصلی ترین  
گروه بیرون آمدن کشاورزی کردستان از بحران  
ورشکستگی آن میباشد. برای جلوگیری از  
تجزیه زمینها و ایجاد شرایط لازم برای ضرر  
چه متحرک شدن آنها و کلیه زمینها باید ملی  
گردند. ملی کردن زمین بدین معناست که  
کسی حق خرید، فروش، اجاره، رهن و  
واگذاری آن بدیگران را به هیچ شکلی  
نخواهد داشت. با توجه به اینکه اکثریت  
دهقانان کردستان را دهقانان بی زمین یا  
کم زمین تشکیل میدهند، شمار ملی کردن  
زمین مورد پذیرش آنان بوده و با مقاومت  
چندانی روبرو نخواهد شد. البته حق بهره  
برداری از زمین برای کسانی که بر روی آن  
کار میکنند محفوظ مانده و مادامیکه به کار  
بر روی آن مشغول باشند، بازدهی زمین

و زحمتکشانش شهری، توسعه کشاورزی بمثابه  
محور برنامه اقتصاد بحق و پاسخگوی معضلات  
اقتصادی اجتماعی نخواهد بود. توسعه  
کشاورزی خود در گروه توسعه صنعتی مولده و  
شر برنامه اقتصادی برای دستیابی بدان نیاز  
مند یکی از دل و راه حل فوق خواهد بود.  
تبدیل شهرهای کردستان به یک واحد  
اقتصادی اجتماعی مولد، بالا بردن امکان  
جذب نیروی فعال، یابین آوردن سطح بیکاری  
و تبدیل آن از بازار مصرف به یک واحد مولد  
در گروه صنعتی شدن آن است. صنعتی  
کردن انقلابی دموکراتیک که بمعنی تحت  
کنترل در آوردن تولید و توزیع و مصرف جامعه  
توسط شهروندان کارگران و زحمتکشانش است  
ایجاد امکان اشتغال برای نیروهای آزاد  
شده و فعال در واحد هایی که تحت کنترل  
کارگری قرار دارند از گسترش بیکاری و جذب  
نیروهای فعال به مشاغل غیر منید جلوگیری  
کرده، شیوه های پیشرفته تولید را جایگزین  
اشکال عقب مانده نموده و از ورشکستگی و  
خانه خرابی تولید کنندگان کوچک جلوگیری  
میکند.

گروه اصلی کشاورزی کردستان برای بیرون  
آمدن از بحران ورشکستگی و متمرکز نمودن و

**خورمختاری حق مسلم خلق کرد است!**

## برنامه ف. . .

تماما به آنها تعلق داشته و در این زمینه با هیچگونه محدودیتی روبرو نخواهند بود. برای تحقق چنین امری کلیه زمینهای زمینداران - بزرگ باید تقسیم شده و در اختیار کسانیکه بر روی آن کار میکنند قرار گیرد. تقسیم زمین زمینداران بزرگ و ملی نمودن زمین شرط ضروری برای سائلبه با بحران کشاورزی است اما بدون اینکه در خدمت دسته جمعی شدن تولید بر اساس تکلیف توزیع قرار گیرند، پیروسه و رشکستی سائلبه مهاجرت از روستا به شهر و خانه خرابی دهقانان ادامه خواهند یافت. تناقض بنای دهفانی (تولید و مصرف و فروش) اولاً بهره دسی کار را بالا برده ثانیاً از اینکه دهقانان چه در خرید ما محتاج خود و چه در فروش محصولانشان متضرر شوند جلوگیری میکند. از شمارنیهای دهقانی، برای بالا بردن بهره دسی کار به ابزار و رسائن پیشرفته تولید و شیوه بنای تولید پیشرفته و سیستم آبرسانی پیشرفته نیازمند است که بدون صنعتی شدن جامعه و دستیابی بدانها امری واقعی بوده و دسته جمعی شدن کشاورزی نیز به امری ناممکن و بیپایه تبدیل خواهد شد. بنابراین راه حل بیرون آمدن شهر روستا و راه حل بیرون آمدن شهر روستا از فقر و فلاکتی -

خانمان و . . . صنعتی شدن انقلابی دموکراتیک آنهاست که از طریق کنترل و تنظیم تولید و توزیع و مصرف جامعه توسط شهروای کارگران و زحمتکشان ممکن میگردد. صنعتی کردن انقلابی دموکراتیک در گرو چیست؟ اجرای هر برنامه ای در حوزه اقتصاد در گرو حاکمیتی است که بلحاظ سیاسی دارای ظرفیت طبقاتی متناسب با آن برنامه باشد. بدون تشکیل انقلابی کارگران و زحمتکشان و در اختیار قرار داشتن حاکمیت سیاسی توسط این تشکیلات، هرگونه برنامه انقلابی دموکراتیک در حوزه اقتصاد اجتنابی به امری ناممکن تبدیل خواهد شد و حاکمیت توده ما ضامن اجرای چنین برنامه ای خواهد بود. اما آیا حاکمیت توده به بدون توجه به ترکیب آن و نقشی که اقتدار و طبقات مختلف در این حاکمیت بازی میکنند میتواند اهداف انقلابی را تحقق بخشد؟ هر ترکیبی از اقتدار و طبقات، نتایج متفاوتی بیار خواهد آورد. در این بین نقش تعیین کننده را در بزرگ رعبیری سیاسی جامعه، طبقه ایکاز میزمنی در آن ترکیب برخوردار است بازی خواهد کرد. حاکمیتی که تحت رهبری اقنا و غیر پرولتری قرار داشته باشد، نه تنها قادر به اجرای برنامه انقلابی دموکراتیک نخواهد بود بلکه متناسب با رفیق خویشی، از اهداف انقلابی فاصله گرفته



در واحد، مابقی که هویت طبقاتیشان را بر آن اساس میتوان توضیح داد، شکن گرفته، در - عالیترین ارگان حکومتی که کنگره شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان است جمع شده، حاکمیت سیاسی را در دست میگیرند. این شوراها در تمامی رده ها نقش تصمصم گیرنده دارند و همه مشورتی و شورائیناسبت که در روند مبارزه طبقاتی شکل گرفته اند.

ضمنی شدن باید توسط کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا صورت گیرد. بدون تسلط و برنامه ریزی تو - این ارگان که طبیعتاً بر منابع کارگران و زحمتکشان استوار است، یعنی تسلط تولید، تریز و مصرف از زاویه طبقات معیش، هرگونه حرکتی در جهت ضمنی شدن، حرکتی ارتجاعی و نیم پنداست و همچون عمان رفیع ارضی شاه بوده، عوانی نظیر بنام را هم بوجود خواهد آورد.

در نتیجه ضمنی کردن کردستان توسط نوع حاکمیت مقدور خواهند بود. اول حکومت شورا می . دوم جمهوری پارلمانی . اولی متکثر بر شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان است. شهابی ممکن برای تحقق ضمنی کردن انقلابی دمرت کراتیذ از طریق تسلط انقلابی دموکراتیک تولید تریز و مصرف بنفع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا میباشد و دومی در خدمت ضمنی کردن ارتجاعی دموکراتیک و ضرورتاً بنفع بیوزاری

آنها بطرف بیوزاری سمت خواهد داد. تنها بلوک سیاسی عدایت کننده جامعه ای که از - کارگران و زحمتکشان شهر و روستا تشکیل شده و عنصر مزبورینک آن طبقه کارگر باشد قادر - خواهد بود سیر تحولات اجتماعی را به سمت اعدان انقلاب هدایت کرده، برنامه انقلابی دموکراتیک را مرحله اجرا در آورد. تحقق چنین بلوکی در گرو اولاً متشکل شدن پرولتاریا در سازمان سیاسی خود و ثانیاً تشکیل جبهه متحد توده ای است.

گریه در عصر حاضر بدلیل وجود امکانات تاریخی برای هدایت به سوی ادیس که خود را در تجربه تاریخی پرولتاریا ضمنی میکند، وجود کمیت نیرومند پرولتاریا بعنوان جمعیت اساسی و حتی وجود سرکمیته از پرولتاریا - شرط ضروری برای تحقق همزمونی پرولتاریا - نبوده، در اجوامی که بدلیل عقب ماندگی، فاقد پرولتاریا هستند نیز باید بحدک مسلح به مارکسیسم لنینیسم قادر به پیشبرد برنامه پرولتاریا خواهند بود، اما وجود کمیت مسترده ای از طبقه کارگر در کردستان، تکیه ناقابل توجهی برای تحقق همزمونی پرولتاریا میباشد. تنها شکل حکومتی که ضامن اجرای برنامه انقلابی دموکراتیک میباشد، حاکمیت شورای نمایندگان منتخب کارگران و زحمتکشان شهر و روستاست که بر مبنای متشکل طبقاتی کارگران در واحد بنای تولیدی خود و سایر زحمتکشان

### نظایف و تالیفات

و کسب دست آورد های علمی یعنی کشور کردن هر چه بیشتر کتابها و در نتیجه های آنها سی هزار انسان بهین دلیل است که نیروهای که رشد و ارتقاء آلمانی آنها با عنوان سدی در مقابل پیشرفت بر راه ارتباطی آنها درین آید میباید میبندند که ما در حالت و سیرا حسی در سالهای آغازین رسمی آنها از حتم و جبر علمی سدی نبودند و ساخته و فرایند این را بخوبی درک نمایند که نافذ آن روشهای روش علمی زندگی بود و در این با بهره گیری از سیستم آموزشی و تالیفات به صورت حاشی متعصب و سرافرازه جایز برای این نیروها است در راه آنها به است بر غایت و اعتناات بین حدود علم و روش علمی و در مورد تعداد بیشتر میباید های مستعد در دستاویزهای آموزشی رسمی و همیشه مدارس و دانشگاهها از یکسو به مقاومت در مقابل انواع برنامه های نیروهای ارتباطی دست زده و از سوی دیگر محصولات درختانی به صورت روشنفکرانی که با تمام نیرو با ارتجاع میبندد و در خدمت ترقی و پیشرفت جامعه خود قرار میگیرند را تحویل میدهند از همینروست که در دوران انقلابی که بحران در

عالم عین است و نقش این کاسین آثار صد و پنجاه میبوده پیوسته مورد هجوم قرار گرفته و به تبذیر کسیده میشود آنچه گمشده میبود در سال آخر حکومت سیاحتی با دانشگاهها کرد از این دست بود آنچه که جنین و زرم فانیست او امروزه با دانشگاهها و مدارس انجام میدهد علاوه بر زمینه و دلیل اساسی بالا و کیفیت و دشمنی تاریخ او را با دستاوردهای علمی پس که بر یاد دهنده تمام هویت و منابع زانی از این هویت ابد توانویزی اوست را به سبب سالی میگذارد اما به همان دلیل که دکتر گردید مدارس بعنوان يك منکر مقاومت انقلابی بحساب آمد و عمل نیباید در هر لحظه - متخلف از حرکت اختطای و جنین توده ای این منکر که تمدنی در بافت زندگی اجتماعی دارد بر اساس ضروریات و مختصات جنبش نقش ویژه و وظیفه معینی خواهد داشت نقش کسه باید بدرستی شناخته شده و نیروهای انقلابی تبدیل جوان با احساس مسؤلیت تمام این نقش و وظیفه را ایفاء کنند ما معتقدیم که در تمام طول ۴ سال تحصیلی گذشته بعلم نداشتن درک روشن و سردرگمی نیروهای سیاسی و انرژی بیکران نسل جوان انقلابی در این سنتر

**استبداد فاشیستی با قدرتش شورائی نابو و باید گروید!**



مقاومت به خویش و شایستگی بکار گرفته نشود و در زمان ایستار رژیم فاشیستی و نیروی سازمان یافته و مدافع جدی باقی نبود تا از آن بخریب دفاع نماید. بعد از قیام نسل جوان انقلابی که با شور و انرژی فراوان به صحنه سیاست کشیده شده بود به هواداری از نیروهای سیاسی برداشته و نیروهای سیاسی بجای سازمان دادن آنها به نحوی که تلفیق درستی از وظایف آنها و از یکطرف بعنوان فرد سیاسی با هویت آید نولو - ژیک مشخص و از سوی دیگر یک فرد اجتماعی با هویت تاریخی و اجتماعی معین و مابند و بتواند انرژی آنها را با حداکثر توان در رسانیدنش ای اجتماعی و در مقابل با رژیم بکار گیرند و آنها را تبدیل به زائده های خود در مدارس و دانشگاهها نمودند. زائده هایی که گاه تمامی نیرو و پایه یک سازمان سیاسی بود و آن کمابکان بعنوان زائده آن تلقی میشد و لذا به نفس آنجنانی نیز دست نییافت چون این زوائد سیاسی در مدارس و دانشگاهها تابع خط مشی سازمان مشخص خود بودند و خط مشی های انحرافی که در صدد تبدیل شکلها و جنبش دموکراتیک به تشکلهای خاص و هواداری خود بودند و لذا باعث پاره پاره شدن نیروی نسل انقلابی که بر مبنای هویت و کار اجتماعی زمینه مشترک داشته و میتوانستند فعالیت مشترک و دموکراتیکی را سازمان دهند گردیدند. این نکته پیش انحرافی نیروهای

سیاسی در برخورد با مبارزه دموکراتیک و نحوه پیشبرد آن بوده که نتیجتاً واسطه بین عوتسی طبقاتی فعالیت سیاسی این نیروها بود. در مورد سازمانهای چپ، این بحران نویسنده ضما خود را در مخدوش کردن مرزهای مبارز طبقاتی طبقه کارگر و سایر اقشار دموکراتیک جامعه این سازمانها به تماشا میباشند. اینها با نحوه انحرافی سازمان دادن هواداران خود در میان دانشجویان و دانش آموزان از یکسو و فعالیت و مبارزه در میان این لایه دموکراتیک را مطابق و مساوی فعالیت کارگری دانسته و - اغلب موارد بجای فعالیت و مبارزه در میان طبقه کارگر مینهادند و از سوی دیگر با تلاش در جهت تبدیل تشکلهای این لایه ها به تشکلهای هواداری خود (یعنی پایه سازمانی نیروی باعث فلج شدن و تلاشی این فعالیت و تشکل های دموکراتیک میکردیدند. از این سکناریم در نهایت هم چیزی ندادند و انگیر نصیب این سازمانها نگردید. علیرغم تمامی این ضمهها و کاستیها و بیابان علل ذکر شده در قبل مهتر ماه با آغاز سان تحصیلی در چهار سال گذشته همیشه مترادف یا کم شدن و کاهش نیروی سرکوب رژیم و فزونی ضمههای او بود. است. این نتیجه به بوکت مقاومت در سنگر مدارس توسط نسل انقلابی و محملین آنه انجام پذیرفت است. برای این اساس و با بکارگیری تمامی درسهای



## وظایف هیئتم

شدند و اکنون که سیر هزیت یابنی طبقاتی نمود بعنوان سازمان طبقه کارگر را بنیت سر گذارده ایم و چه وظایف و مسوولیتهایی را در مدارس و میان مجلسین و دانش آموزان میتندسیم ؟ بدینترتیب در مقدمیت مشخص بحران - انقلابی جامده و در وضعیت مشخص کردیم با بزرگی حاکمیت دهکانه و تشکلهای صنفی و موزکراتیک در مدارس باید داورای آنچنان نظرفیشی باشد که بتواند حد اکثر نیروی دانش آموزان را در جهت مقابله با برنامه های رژیم بسپار نماید و انکار انجام تعریف جهت بدست گرفتن ابتکار عمل و در شرایط بدی، زتن بدست اداره و کنترل امور را داشته باشد. چنین شکلی از تشکن چیزی جز "شوراهای محقی مدارس" نیست. روشن است که این شوراها صرفا بعلت نیروی سرکوب رژیم است نمیتوانند بدورت علمی ایجاد شده و فعالیت نمایند. شوراها بعلت امکان بوجود آمدن و زمینه فعالیت آنها، که در این مقطع عمدتا بسج مقاومت در مقابل برنامه های رژیم است و باید بوجود بیایند و نیروهای هرچه بیشتری را سازمان داده و رهبری نمایند. باید تمامی امکانات و نیروها در جهت

بوجود آوردن هسته اولیه شورا و بسط دادند ارتباط و فعالیت آن بکار گرفت. انواع ارتباطها (از جمله رابطه بین هواداران نیروهای مختلف سیاسی و تشکلی گروههای ورزشی و انواع محافل و جمعها) را اکثر جهت زنده و فعال کردن هسته اولیه شورا و بسط ارتباطات و روابط آن به عدت گرفت. این شوراها در در سطح صمیمی و دانش آموزان شکل بگیرد و ارتباط پیدا نمایند. این شوراها اساسی شاهراپرزسیون مترقی را در ارتباط با خود قرار میدهند و از ورود و ارتباط نیروهای ارتجاعی بعلت اخلال رخصایت نفوذی داشتن آنها جلوگیری میکنند. این شوراها از همان زمان تشکن گیری هسته اولیه خود میتوانند اجرای برنامه ها و پیشروی بسمت هدفهای خود را آغاز کنند و در جریان آن ارتباط خود را بسا تعداد هرچه بیشتری از نیروها برقرار کرده و گسترش دهند. همانطور که گفته شد از تاجر تشکلهای و جمعها جهت برقراری ارتباط و حفظ آن استفاده میشود و پاره ای از این جمعها گاه در شرایط مسین میتوانند بعنوان کانال علمی فعالیت شورا عمل نمایند. وظایف این شوراها در شرایط کونی در مناطق اشغالی کردستان و شهرها عمودا بسج و سازماندهی مقاومت در مقابل برنامه های رژیم در مدارس



طوبین صدور اعلامیه و پخش اخبار اینگونه مقاومتها و انواع و اقسام راهها و طرق دیگر بیوزنتگی با خواستهای دموکراتیک عمومی را مستحکم مینماید.

در مناطح آزاد که حاکمیت فانیسم جمهوری اسلامی برقرار نیست نیز فعالیت آموزش در مدارس، مرجع بیشتر در سطوح ابتدائی، از سر گرفته میشود. در مدارس مناطح آزاد این مامورستانهای شورش هستند که از یک طرف بمنبران مامورستان و از سمت دیگر بمنبران یک ارتاب شورش و نفاق مهم و خطیری بصدف میکنند. مهترین وظیفه آنها در جوار وظیفه اصلیشان یعنی تخریب بالاتر بودن کیفیت آموزشی دانش آموزان، که تحت موصلینارگان، های شورش تسلیم میشوند، توجه کردن اساسی به موضوع بسیج و سازمان دادن مقاومت بود. ای در روستاهای مناطح آزاد شده میباشد. مامورستانهای شورش بمنبران عناصر آگاه روستا. سا این امر را از اصرار مختلف میتوانند پیشی ببرند که شرط اصلی ده آنها ارتقاء آگاهی مردم روستاها و فغان کردن آنها در کارهای اجتماعی جهت اداره همه امور روستا (معنی بخشیدن به شوراها) از جمله رسیدگی به امور بهداشتی و درمانی روستا توسط شورایی ده و خودکفا کردن مدرسه و فعال شدن مردم بقیه در دتحو ۲۲

ایجاد و حفظ ارتباط پشتیبانی از خواستهای دموکراتیک دیگر گروههای اجتماعی، زنده نگه داشتن شور و روح مبارزاتی در محیط، تقویت مستیکی مبارزات در مناطح انسانی با مبارزه مسلمانانه پیشمرکه میباشد. تمامی این وظایف معطوف به آن هدف اصلی شورا یعنی رسیدن به وضعیت در دست گرفتن کنترل و اداره محیط میباشد که این میسر نیست مگر در صورت توده ای فاسی اجرای برنامههای شورا شود و این نیز در مرحله عملی جز از طریق تخریب و ستمش مقاومت توده ای در مقابل رژیم فانیستی آنها و لاجرم سرراندن آن عیب نمیگردد. از اینوست که وظایف صنفی دموکراتیک شوراهای در ارتباط تشکک با پشتیبانی از خواستها و اهدافی دموکراتیک، ضروری جنبش قرار بگیرد. هر کدام از ایس وظایف بر اساس موضوعات خاص خود و شیوهها و طرق متنوع و توانگونی بانجام میرسند. در مورد وظایف صنفی معالجه با برنامه رژیم تاکتیک عملی و رلیج در دوره اخیر، تاکتیک تحریم و اعتصاب و روشهای تبدیل یک برنامه رژیم به ضد آن بوده است. مانند راه پیمائی ۱۳ آبان گذشته در سترکه دانش آموزان با تبدیل شعارها به ضد رژیم برنامه را به ضد آن تبدیل دادند. حمایت عملی مانند شرکت در مقاومت سایر لایمهای اجتماعی و حمایتاز

# حمله به بستون خودروهایی دشمن

سخت دریگرفته بود که یکساعت ونیم بطول انجام شد و در تمام طول درگیری ، دشمن فاشیت با انواع سلاحهای سنگین ، منطقه را پشت و میکوبید . شدت غراس دشمن مزدور بحدی بود که علاوه بر کوبیدن منطقه درگیری ، تمامی انظار منطقه را در زیر آتش سلاحهای سنگین حمله قرار داده بود که تا ساعتها پس از پایان درگیری نیز ادامه داشت ، حوثیجاته پد مردم منطقه آسیبی وارد نیابد .

در این درگیری تعدادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند که از تعداد دقیق تلفات آنها اطلاع دقیقی در دست نیست . در این عملیات بمبارانه سیپلونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیابد .

نا بود یاد رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی !  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک سوده ای !  
پهلوز باد جنبش عادلانه خلق کورد !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته کوردستان

۱۲/۶/۷۸

دوستان و رفقا :  
نظرات خود را برای ما ارسال دارید

حلی رزیده کردند .  
پیشمرگان تهران و فدائیکارگران کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روزه ۶/۶/۷۸ پس پایتظام ای "کاولان" و "کانی سبید" - واقع در محور مهاباد - سردشت از نخستین ساعات پاناد بد کین دشمن نشسته پس از استقرار نیروهای "تامین" جاده ، پیشمرگان در کین مابهای خود ، در انستلاور عبور و مرور خودروهای دشمن پانی ماندند . در ساعت ۱۰ پاناد شدت دستگاه از خودروهای حامل نیروهای کشتی و جاده سازی که از پایکس "کاولان" به حرکت درآید ، بودند ، وارد کین پیشمرگان شدند . در همین هنگام خودروهای دشمن در زیر آتش رعد آسای پیشمرگان قرار گرفته و بمیزبان با آن نیروهای "تامین" جاده نیز زیر رگبارهای بی امان پیشمرگان قرار گرفتند . با آس اولین رگبارهای پیشمرگان بستون خودروهای دشمن از حرکت باز ایستاد . نیروهای دشمن مزدور که غراسان از خودروها خارج میشدند با آتش سلاحهای پیشمرگان مواجه شدند که تعدادی از آنها پخاک در غلتید و ته دای دیر که سراسیمه پدنیا پافتن پناهگاه یا برقرار گداشته بودند نیز زیر رگبارهای بی امان قرار گرفتند . جنگی

### نگاهی به بیانیه ...

درده و حتی بد یکران نیستشان. دقتند و متد  
انحرافی برخوردتان پار سازمان های سیاسی  
و گروه های دیگر که تاشی از بینش انحرافی  
این جریان است، برخورد نریست ما یا نشان  
با اصول و ناتوانی شان در اتخاذ یک سیاست  
ست عملی پویا و منطقی، تا آنجا که بنده  
بر سروردشان با سازمان ما مربوط میشود. -  
فراهم برداخت

این بیانیه بر روی سازمان های سیاسی از  
جنبه ما را که در برنامه شان تحت عنوان -  
برایانات پروپاگاندیستی (و حتمت  
برایانات بینایی) از آنها نام برد، بود را  
روزی نیست دانسته، در صف ضد انقلاب -  
قرارشان داده است. اما چه دلیلی برای این  
بدعایتان ارائه داده اند؟ بیانیه بشیوه  
عمیقو در هم آمیزن حاکم و مغولان مختلف  
تا همجنس و شرح آنها به کک جمله پردازی  
بنا میگوید "چرخش در حال وقوع  
جریان سچفخا - راه کارگر را میتوان بر  
بنای بررسی و ترکیب و جمع بندی چند سال  
و شاخص اصلی تحلیل کرد." و بدین ترتیب  
چهار عامل را ذکر کرده اند که دو تا آخر  
یعنی رادیکال ناسی و بحران تشکیلاتی را  
نه دلیل، بلکه نمود و نتیجه چنین چرخشی

میتوان تلقی کرد. گرید در ارائه این نمود  
و نتایج با خود نمای عوام فریبانه ای، مواضع  
دیگران که در چهار جوبی متقابل با مواضع  
شان قرار دارد را به خود نسبت داده  
حتی به بیان دروغ نمایی نظیر انتمسایان  
بات به سازمان ما، موصول شده اند. ما در  
اینجا قصد برخورد با چنین برخورد های -  
نا سالم و غیر سیاسی را نداشته رید و دلیلی  
که بر روزی نیست بودن ما آورده اند. میرد این  
دلیل اور بیانیه برای انتساب روزی نیستیم  
بد ما، مواضع شان در قبالت <sup>انتقاد</sup> شوری وارد و گشاد  
کشورینای سوسیالیستی و در واقع وجه خارجی  
برنامه است. ترجمه این جریان تا کس میگوید  
که مبنای برخورد ما با برنامه شان را صرفا -  
موضعشان نسبت به شوری وارد و گشاد  
کند، کما اینکه اتحاد مبارزان در فحشنامه  
جلو دار این بیانیه که در کارگر کونیت ۸  
این کرده است میگوید "برخلاف آنچه  
راه کارگر در جزوه خود میگوید، این دقتنا  
وجه خارجی " برنامه حزب کونیت است  
که راه کارگر را رنجانده و به حشم آورده -  
است." (ابراز وجود بشیوه رانکارگر) و این  
بیانیه صد رشتاد درجه نسبت به آن ادعا  
چرخیده "وجه خارجی " برنامه ما را دلیل  
روزی نیستیم بردن ان اعلام کرده است.



## انتقادی بر بیانیه . . .

وجه داخلی و خارجی مقرر برنامه ای بر اساس نفع و پایگاه طبقاتی نیروهای مستعد به آن تعیین شده و در رابطه ارگانیک با بد دیگر قرار داشته و از دیاکتیک واحدی - تهیت میکنند در شرایط کنونی و برنامه - پدیده تاریخی برای انقلاب دوم در این برنامه است - گیری سوسیالیستی است و چنین برنامه ای - استکس خود را چه در وجه درونی و چه در وجه بیرونی هر برنامه ای نشان خوانند داد اما آنچه در اینجا از همه مهتر میبندد این است که بین آید و وجه کدامیک تعیین کننده بوده و اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک برنامه - انتقالی یا اساسا از روی کدامیک از این وجوه میتوان پیروز گشتند در این بین وجه داخلی برنامه بعنوان وجوهی که بطور مشخص میخوانند راه - فقر و فلاکت و بین طبقاتی و راه - اینه دهد و نقش تعیین کننده داشته و نشی آن بمعنی نشی انقیای ماتریالیسم دیاکتیک است . آیا این بدان معنی است که برنامه ای که در وجه داخلی اش مست گیری سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است و بپایان در اتحاد استراتژیک با اردوگاه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای راهببخش در پیوند با آن نموده یا با

نیروهای ارتجاعی پیوند استراتژیک داشته باشد ؟ مطمئنا چنین نیست و دشمنی با اردوگاه مبارزات پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رها ببخش موجود و نه تنها از کمونیست بلکه دموکراتیک نیز نبوده و کسانی که به چنین تخصصی روی آور میشوند و در وجه درونی نیز نسبتها قادر به ارائه برنامه مستگیری نیستند بلکه فاقد هرگونه برنامه دموکراتیک نیز میباشند اما ازلا مادیات غیر جریانی را اساسا از روی - وجه داخلی برنامه اش باید تعیین کرد و ثانیاً وجه خارجی مقرر برنامه ای و تنها یک محور از آنها محور هر برنامه است که از این طریق درخواهد بر روی ضرورت توجه به متحدین پدیده تاریخی در مقیاس جهانی و تعیین جایگاه خود در صف بندی ها و جهانی تاکید کرد و نه چیزی بیس از این - با برخورد بشیوه سوسیالیستی با چنین محروری و بدون برخورد با ضمنین مقرر برنامه ای و حکم ستیبر در موردش صادر کردن آنها بیگانگی کامل خود را با مارکسیسم - لنینیسم نشان داده ایم . مثلا سازمان ما نه در گذشته و نه در حال حاضر هرگز به پیروان چپ که معتقد به تز " سوسیال امپریالیسم " - بوده اند و ضد انقلابی نگشته است - نه باین دلیل که چنین اعتقادی را در عمل ضد انقلابی نمیدانیم و بلکه باین دلیل که تنها با این نظر



قصد داد کردن ما میکريد \* اول ، گرايتس روز -  
 ازین این ضيف به دفاع آشکار و سر - حنايه  
 از نیروی و یا اردو به باصلاح سوساليم  
 و تلاش در جهت تطهير این بلوک اميرالين  
 و برد ، یوتی از بحران اقتصادي عمیق دا -  
 خلو و سیاستهای ضد دموکراتیک و ضد کار -  
 گری آن در سمنه جهانی است \* (نقل از -  
 بیانیه )

دلین دزی که در بیانیه ، بر پرچم  
 سرد نرستان آورده اند ، خصومت ما با  
 برنامه حزب کمونیست شان است . حال باید  
 دید تلقی آنها از خصومت چیست ؟ مبارزه  
 ایدئولوژیک یکی از اشکال مبارزه طبقاتی -  
 است و در برنامه کمونیستها بافتاری بر روی  
 این وسیله از امیدت خرد ساده ای برخوردار  
 است . مبارزه ایدئولوژیک با جریانات انقلابی  
 با جریانات انحرافی درون جنبش وحتی  
 مبارزه ایدئولوژیک با ارتجاع از وظایف مستطیل  
 ناپذیر کمونیستهاست . سازمان ما ، دواره بر  
 روی این سازه تاکید داشته است و در -  
 حین رابطه به نقد سوانس برنامه ای جریان  
 فوقی پرداخته ایم . برداشت ما از مواضع این  
 جریان انحرافی نمیتواند مانع برخورد فعال



نمیوان در باره ماسیت سیاسی و عیلق - سرد  
 طبقاتی یک نیرو داری تزد . یک نیروی انقلابی  
 هم حتی ممکن است در حوره تشریک نثری -  
 داشته باشد که تماماً ضد انقلابی باشد .  
 تناقض در بین محورهای مختلف نظری و عملی  
 این نیرو دیگر تناقض در واقعیت است و نی -  
 توان برای دردیتر تناقض نشدن ، آنرا نادیده  
 گرفت . ما با دنیای ظهارت و نجاست مدھی  
 رفرو نیستیم . ما چنین نراتی را میکوییم و  
 بیرحمانه هم میکوییم ، اما هرگز خود نسبت به  
 یک نیروی سیاسی را صرفاً نه از روی این نظرات  
 بلکه از روی مضمون برنامه آن که اساسا در -  
 وجه داخلی برنامه آن مسکس میشود همین  
 کرده و با نترات دیگر آن نیرو مخصوصاً علق کرد  
 آن در مبارزه سیاسی ، تنها به اعتبار وجه  
 خارجی اش برخورد نکرده و نخواسیم کرد .  
 آنگونه که این بیانیه قضاوت خود نسبت  
 به ما را بر مبنای وجه خارجی برنامه مان استوار  
 کرده است از یک طرف ناتوانی خود را در -  
 برخورد با مضمون برنامه مان به ناسیج داشته  
 و از طرف دیگر با وجه خارجی برنامه خود ه  
 همچون اعتقاد به بکارت حضرت مهم برای -  
 یک مسیحی ، برخورد نموده و از اینروست -  
 که در صدر دلایل خود مبنی بر رویزینوست

مرگ پر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

پاسخ داده ایم ( منظور زمانبست که هنوز برنامه خود را ارائه نداده بودند که به انتقادات مربوط بدان پاسخ داده باشند (۲) )

گویی وظیفه مبارزه ایدئولوژیک همچون فرائض دینی است که آنها در گذشته آنها بجا آورده اند و دیگر مسولیتی در قبال آن احساس نمی کنند و گویی علت حضور کمونیسم در عرصه سیاست و تنها اینست که سیر اشکال مبارزه طبقاتی و شاید حوزه های از مبارزه ایدئولوژیک را هنوز انجام نداده اند و اگر نه بسه توده ها اعلام می کردند که من آنچه شرط بلاغ است با تو فاشتم ام - تو خواه از سخن بپسند

گیر و خواه ملان و آنگاه کز کوه دکانشان را یائین میکشیدند و مخرج میشدند در مقابل با سطحی گری مغرورانه ای مدعیند که ما از کمونیسم و سوسیالیسم و از ضرورت تبعیضات جهانی طبقه کارگر از ۰۰۰ سخن میگوئیم و آنگاه راه کارگر مدعی میشود که برنامه ما تفاوتی با برنامه شورای ملی مقاومت و حتی جمهوری اسلامی ندارد (مراجعه کنید به -

اصهار وجود ۰۰۰) گویی حزبی توده و حزب رنجبران و انواع و اقسام مشابهاشان از چیزی جز اینها سخن میگویند و گویی قضاوت در مورد جریانها را بر ادعایشان باید استوار کرد. جالب اینجاست که درست چند هفته

مان با آنرا افشا برنامه اش در میان توده ها کرد. بلکه برعکس عرصه انحرافات این جریانها برجسته تر باشد و به نسبت نقش و تاثیرات مخربش در درون جنبش و مبارزه ایدئولوژیک با آن ضروری تر خواهد بود. اهمیت برخورد با مواضع برنامه ای این جریان انحرافی ناشی از حضور فعال اتحاد مبارزان در سطح جنبش نیست چرا که حاصل فعالیت چند ساله اش جزئی چند آقایان مطالعه نبوده (فرجه -

برخورد با گرایش آقایان مطالعه که شکلی از لیبرالیسم بعنوان یکی از انحرافات موجود در جنبش از اهمیت خاص خود برخوردار است) و بلکه بلحاظ نقضی است که کومه له بعنوان یک جریان محلی در جنبش خلق کرد بازی میکند.

اما بیخیم این جریان چگونه عمل میکند آنها به انتقاداتی که به برنامه شان شده است هیچگونه پاسخی نداده و در عوم در برابر هرگونه مخالفتی با برنامه خود و تحت این عنوان که خصومت با آن است به برخورد -

مای عصبی متوس میشوند. اگرید نبال دلائل شان در بلائی نوشته نمایشان بگردیم و تنها بظاعری پاسخ می دهیم که دریافت خوانیم کرد این است که ما ۲-۳ سال پیش به این مسائل

انتقادی به بیانیته . . .

## انتقادی به بیانیته . . .

مان با آنرا افشا برنامه اش در میان توده ها کرد. بلکه برعکس عرصه انحرافات این جریانها برجسته تر باشد و به نسبت نقش و تاثیرات مخربش در درون جنبش و مبارزه ایدئولوژیک با آن ضروری تر خواهد بود. اهمیت برخورد با مواضع برنامه ای این جریان انحرافی ناشی از حضور فعال اتحاد مبارزان در سطح جنبش نیست چرا که حاصل فعالیت چند ساله اش جزئی چند آقایان مطالعه نبوده (فرجه -

برخورد با گرایش آقایان مطالعه که شکلی از لیبرالیسم بعنوان یکی از انحرافات موجود در جنبش از اهمیت خاص خود برخوردار است) و بلکه بلحاظ نقضی است که کومه له بعنوان یک جریان محلی در جنبش خلق کرد بازی میکند.

اما بیخیم این جریان چگونه عمل میکند آنها به انتقاداتی که به برنامه شان شده است هیچگونه پاسخی نداده و در عوم در برابر هرگونه مخالفتی با برنامه خود و تحت این عنوان که خصومت با آن است به برخورد -

مای عصبی متوس میشوند. اگرید نبال دلائل شان در بلائی نوشته نمایشان بگردیم و تنها بظاعری پاسخ می دهیم که دریافت خوانیم کرد این است که ما ۲-۳ سال پیش به این مسائل

انتقادی به بیانیته . . .

مان با آنرا افشا برنامه اش در میان توده ها کرد. بلکه برعکس عرصه انحرافات این جریانها برجسته تر باشد و به نسبت نقش و تاثیرات مخربش در درون جنبش و مبارزه ایدئولوژیک با آن ضروری تر خواهد بود. اهمیت برخورد با مواضع برنامه ای این جریان انحرافی ناشی از حضور فعال اتحاد مبارزان در سطح جنبش نیست چرا که حاصل فعالیت چند ساله اش جزئی چند آقایان مطالعه نبوده (فرجه -

برخورد با گرایش آقایان مطالعه که شکلی از لیبرالیسم بعنوان یکی از انحرافات موجود در جنبش از اهمیت خاص خود برخوردار است) و بلکه بلحاظ نقضی است که کومه له بعنوان یک جریان محلی در جنبش خلق کرد بازی میکند.

اما بیخیم این جریان چگونه عمل میکند آنها به انتقاداتی که به برنامه شان شده است هیچگونه پاسخی نداده و در عوم در برابر هرگونه مخالفتی با برنامه خود و تحت این عنوان که خصومت با آن است به برخورد -

مای عصبی متوس میشوند. اگرید نبال دلائل شان در بلائی نوشته نمایشان بگردیم و تنها بظاعری پاسخ می دهیم که دریافت خوانیم کرد این است که ما ۲-۳ سال پیش به این مسائل



بعد میگویند "اما بنا بر شناخت خود از ماهیت روزبویسیم و روزبویستها و بر مبنای تجربه انقلابی ایران و بخوبی چند انداختن رسا - کارانه جریانات ایورتونیسیت و روزبویست به احکام و شمارهای مارکسیسم پیروزه در آستانه چرخشهای اساسی بر راست را و میشناسیم . . . امروزه با وجود توده های روسیمی که از فلاکت و بی حقوقی سیاسی بمتوجه آمده اند کسی نمیتواند داعیه دموکرات بودن داشته باشد - بی آنکه آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی حق بلبل تحت ستم در تعیین سرنوشت خویش، جدایی مذموب از دولت و دموکراسی شورایی و مطالباتی نظیر آن را که به جامعترین شکل در برنامه حزب کمونیست بیان شده است و بدین " (نقل از بیانیه) آیا اینها معنی کلماتی که بکار میروند نمیدانند ؟ اگر چنین است آیا این تنها دلایل چنین تناقضهای آشکار است . بنظر ما دلیل اصلی توسل به استدلالات بی پایه ای نظیر آنچه در کارگر - کمونیست ۸ مشاهده کردیم چیزی جز این نیست که از یاسنکووشی به سوالات و انتقادات اساسی که به برنامه شان میشود و طفره بروند و با طرح خصومت دیگران با خود و بی اعتقادیشان به مبارزه آید، تلووزیک و غرار از یاسنکووشی به انتقادات مشخص به برنامه شان را یرد بیوشی کنند .

اما اگر منظور از خصومت و فحاشی و بد و بیراه گفتن به مخالفین است که مدافعین برنامه مزبور در این زمینه کوی سبقت را از همه ربوده اند . بر خورد فرقه ای و شریعت - مآبانه این جریان با آید تلووزی و برنامه و بخصوص وجه خارجی آن کار نشان را بدانجمل رسانده است که تا کسین نتوانسته اند به بر خورد جدی سیاسی آید تلووزیک با مخالفین برنامه خود بپردازند . اما در فحاشی و بر خورد عصیی در برابر آنان سنگ تمام گذاشته اند . یکبار نشریات آنها را ورق بزیند . جز تکرار ملالت بار مطالب مکرر و تعریف و تمجید و خود ستایی و اندر فوائد برنامه خود سخن دادن و به تنها چیزی که بر خورد خواهید کرد و فحاشی نسبت بد یگران است . حداقل تا آنجا که بما مربوط میشود و اعتقاد خود در رابطه با آنها را هیچگاه در قالب کلماتی چون وفیق و ابله و شارلاتان و بیشرع . . . نریخته ایم که بتوان بدان فحاشی نام نهاد . اما در مقابل برای نمونه میتوانید به عثمان فحش نامه گذاری (اعطبار وجود ۰۰۰) - مراجعه کنید .



## تکلیف به بیانیه . . . .

نشدند. تاکید بر این صورت بخصوص در مورد جریاناتی که خود را مدافع شایع زحمت-کشان و مبارزه علیه نظام طبقاتی و جامعه سرمایه داره مینامند، بشکن برجسته‌تری - مردمانی میدند. اما همانگونه که ارتجاع به پهنانه مبارزه اید؛ رولویزید با مخالفین خود به انواع، تنگی، افترا، تحاسی و انواع تحریکات ردیانه دست میزند و بدین ترتیب دانات - خود را نشان میدهند، جریاناتی که در ظاهر لباس مبارزه بر علیه جامعه طبقاتی و ظاهر آنها بنی کرده اند، اما در واقع تلاششان - حاصلی جز آراستن ستم طبقاتی با پیروپیهای ربرصیستی و ارائه آن به توده ما نداشته و از این طریق سواى نیاتى که آنها ترا با این سر می‌کنند، میکوشند تا از انحاء تناسب تولید برزواى جلوتیرى کرده یا حداقل ناپودی مدتوس را چند صباحی به تاخیر اندازند برای پاسخگویی باین ضرورت، به همان شیوه سالی که شایسته نیروهای ارتجاعی است - متوس میشوند. چندی پیش اتحاد مبارزان کمونیست در فحش نامه کدائی فوق به چنین شیوه ای متوس شده است. پس از چنین برخورد سالی اشراف منشانه مبتدل،

تنها از اتحاد مبارزان بر می آید که دیگران را به نحاسی و . . . متهم کند .

اما اگر به وجه دیگر ادعایشان مبنی بر "عدیته" و "خصوصیت" ما با آنها یا در واقع وجود دره زرف بینان که فرود آن دوری و نزدیکی این دو با بولتاریاست پیردازیم، شک نیست که وجود چنین دره ای بین یک نیروی کمونیست با کسی که اعتقادی به شایع تاریخی بولتاریا ندارد، اجتناب ناپذیر است اما حقانیت و اعتقاد به سرسیالیسم را صرفاً از روی تکرار این ادعا و هرچه بزرگتر نوشتن آن نمیتوان به اثبات رساند. ضمن برنامه عمل جریانی و پاسخ مشخص که به انتقادات دیگران خواهد داد، تعیین کننده حقانیت آن میتواند باشد، گرچه پراتیا، داورى‌هاى را در این باره خواهد کرد. اما این جریان پس از مدتی سکوت در برابر سوالات و انتقادات جریانات دیگر، وقتی لب به سخن گشود بر خلاف ادعاهای مکرر آنها به وجه خارجی برنامه دیگران حمله ور شد.

ما از اینها می‌رسیم، مگر این برنامه نمیخواهد به نفی عملی سلطه امپریالیسم پیردازد؟ آیا جز از طریق اخلال در تولید چنین مدعی را دنبال خواهد کرد؟ ما



میگوئیم حکومت پروتاریائی یا صنعتی کردن -  
 انقلابی دموکراتیک جامعه از طریق کثرت تولید  
 و توزیع و ملی کردن زمین و ۰۰۰ تضمین کننده  
 ستگیری سوسیالیستی است. اگر زبان برای  
 بیان منظور است و نه برای مخفی کردن آن و  
 به هواداران نشان و به کارگران و زحمتکشسان  
 باید توضیح بدهند که تنها راه ستگیری -  
 سوسیالیستی و بدست گرفتن حاکمیت سیاسی  
 و بدست آوردن اصلاحات جزئی و اخلاقی در  
 تولید جامعه است. اگر اینها که خود را -  
 کمونیست می‌نامند و باز هم از یاسع شخص  
 دادن به این سوالات ظفره برونند و بر سر  
 تشکیلات خود باید بنویسند "کمونیستها به  
 مردم دروغ میگویند و آنها عار دارند مقاصد و  
 نوریات خود را آشکار سازند".  
 اما چون از بیان مقاصد خود هراس -  
 دارند و منتهای تلاش خود را بخرج میدهند  
 که مقاصد خود را در پوشش بیانشان مخفی  
 کنند از اینرو نه در برنامه و نه در جای  
 دیگر به مردم توضیح نمیدهند که میخواهند  
 آنها را به انقلاب سیاسی محدود کنند و -  
 نمیکنند که باید انقلاب کرد و قدرت سیاسی  
 را بدست گرفت تا بک آن به تخریب اوضاع  
 اقتصادی جامعه پرداخت. صنعتی کردن  
 انقلابی دموکراتیک جامعه بمعنی روزبیزنیسم  
 است و پس باید توضیح داده شود که چرا

تخریب تولید و صنعت جامعه تنها شیوه -  
 انقلابی دموکراتیک است؟ مطمئنا اقتضای غیر  
 پرولتاری خواهان سوسیالیسم نیستند و برنامه  
 حد اکثر پرولتاریا چیزی نیست که آنها را در  
 انقلاب دموکراتیک و حول پرولتاریا جمع کند  
 پس برنامه حداقل آنها و توده ها را به دور  
 خود گرد خواهند آورد اما برنامه حداقلی که  
 تنها به املاحانی در چهار چوب نظام موجود  
 اکتفا خواهد کرد. اگر اصلاحات جزئی در چهار  
 چوب نظام و تامین کننده منافع آبی اقتضای  
 غیر پرولتاری باشد و بیرون این برنامه را -  
 بیه بیزند و بدور برنامه شورای ملی مقاومت و  
 بازارگان و ۰۰۰ جمع نشوند. اما وقتی تدوین  
 کنندگان برنامه در برابر مسائلی  
 که پاسخگویی بدانها مقاصدشان را آشکار  
 میکند و آرامش رومای تیکدان بهم خورده و فحش  
 میدهند و طرف مقابل را "برفرز برتگاه می  
 بزند" و "استحانه بوجود میآورند" و  
 "روزبیزنیست میسازند" و بیروغش در حساب  
 شکل گیری بوجود میآورند و ۰۰۰ چرا  
 این بهترین شیوه رد کم کردن و پاشیدن خاک  
 در چشم دیناران است تا قادر به مشاهده  
 ماهیت برنامه شان نشوند.

ما میگوئیم تنها راه ستگیری سوسیالیستی  
 حل فقر و فلاکت و بی خانمانی و ۰۰۰ جامعه



## نکته به بیانیه . . .

ممنوع کردن انقلابی دموکراتیک، آن است که تحت کنترل کارگران و زحمتکشان مقدور بوده و تحت این حاکمیت شورش ایگانیته بر میگردد و چون برنامه شما اخلاص در تولید جامع را مدد خود قرار داده است، قادر به پاسخ گویی به فقر و نلاکت و . . . جامه نشده و . . . استیغنان نیز بعنوان تزیینات نظریاتتان کارکرد شما داشت. در عروس آنها دلیلی برای اثبات ضرورت اخلاص در تولید ارائه نشده و مستند برایتان کار است که چون ممنوع کردن انقلابی دموکراتیک در مقابل اخلاص در تولید قرار داده اندگان باید ریزد ببرد که آنست که راه حل اول را پیشنهاد کرده و برای حقیقت میگردند و باند سیاسی فرد است.

ضرورت اخلاص در تولید از حقایق است "برنامه" ناشی شده و حقایق "برنامه" ناشی از ضرورت اخلاص در تولید سرمایه داری است. این دور باطلی است که بوسیله آن نه میتوان به حتمیت برنامه دست یافت و نه به ضرورت اخلاص در تولید. کلید این دور باطل را باید در خارج از جهان مادی بیاد در فضایی بین سیارات جستجو کرده یکی دیگر از مواردی که دلیل بیخسورد

خضمانه ما عنوان شده است و توضیح مان در باره متحدین جهانی این برنامه است و مگر نه این است که شما اردوگا اکتیویتهای سوسیالیستی و نظام جنبشهای در پیچید با آنرا ارتجاعی میدانید. مگر نه اینست که امپریالیسم جهانی و نظام وابستگیهای ارتجاعی و مگر به این است که در سطح جهانی بویز جریانات ارتجاعی نظیر پاناسلاسیسم و غیره جنبشی گشته اند. به تیره شرقی و غربی ایالات امریکا لیس سرخ و نژاد امپریالیسم شیام یا غراسر که شما روزی میدانید <sup>باید</sup> وجود ندارد و پس بهشراست جنبشها از جریاناتی که مدد چهارم شما بزرگ و پاناسیونال انترناسیونال نریستان را برپا خوانند تیره نام بیرون در اینها هم بگم داشته متحدین جهانی در برنامهتان امری تصادفی نیست و از اینروست که در آخرین تلاشهایتان برای یافتن متحدین جهانی خود که بتوان با آنها انترناسیونالیسم نوین را برپا کرده اسوز برنامه ای خود را نیز زیر پا گذاشته به تمدادی - حداقل روشنفکری چند تیره که انترناسیونالیسم نالهای رینارین هستند متوسل شده اند.

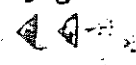
(رسم کنید به صاحب فرهاد پشارت کارگر کمونیست)

واقعیتهای زندگی در سطح گرنی جهان



بروتس و صراحت جاپناه واقعی تمام آن نیز  
 سایر که یا جنبش جهانی کمونیستی محدود  
 وزیده و دستاورد ما و پیرویهای بزرگ طبقه  
 کارگر (که اردو و گاه کشورهای سوسیالیستی بودند)  
 راس آن قرار دارد) مد زنبرد با این پیرویهای  
 جهانی را نمی توانکار نموده و نتیجه رژیم پرش  
 شور طبقه کارگر در حال امپریالیسم در طول  
 سده یک به یک قرن را تماما شکست و ناکامی  
 ارزیابی کرده اند را ایشان داده است .  
 بد انسان این برنامه که حتی در برنامه  
 خود نیز نتوان از ارائه وجه بین المللی یعنی  
 تعیین صلاواتی برای جهانی بوده و متعدد  
 بین جهانی خود را در بنانه ای از ایجاب  
 باقی گذاشته اند ، سوالات مشخصی را با  
 خصوصیات خود نمایند و هنگامی نیز که در  
 این زمینه میخواستند به عرصه اصلی نزدیک  
 شوند ، پاسخ مشخص را در وزیده ، به کرد  
 و حال کردن در این زمینه میرد از بند مثلا  
 اتحاد بیارزان در اظهار وجود ۰۰۰۰  
 بدعی شده است که ما میخواستیم نماینده  
 ایدئولوژیک طبقه کارگر و از حقوق جنبش  
 کمونیستی طرفداری کنیم ؟! وقتی ما از احزاب  
 فات درون جنبش کمونیستی جهانی صحبت  
 کرده و لزوم مبارزه ایدئولوژیک با آن در  
 جهت انشاء و طرفداران انقلاب ( یعنی  
 روزی نیست ) را با صریح مینامیم ، در حالیکه

اردو و گاه کشورهای سوسیالیستی را نمایند  
 ایدئولوژیک جنبش جهانی کمونیستی میدانیم  
 تنها برای آنانیکه کمترین آشنایی با راس مارکس  
 نداشتند و یا ریشی در گفتن دارند تا سب  
 وجود میآید ! روشن است که ما احزاب موجود  
 در کشورهای اردو و گاه سوسیالیستی را کمونیستی  
 میدانیم ، نه روزی نیست و منظور از طرفداران  
 سحر و احزاب روزی نیست سحر حزب بود ۰۰۰  
 است در احزاب کمونیستی سحر شور و رشاد  
 را ، اما نویسنده که خود این احزاب را  
 روزی نیست میدانند ، درک خود را بد مسا  
 سب داده ، سپس از آن انتقاد میکند ، ثوبا  
 در این شاقس را یافته است که میخواستیم  
 نماینده ایدئولوژیک جنبش کمونیستی جهان  
 را از درون آن سحر و انشاء نماییم .  
 ناصحانه شما با پرولتاریا و دوری و نزدیک  
 تان با آنرا پاسخ به سوالات فرو روشنتس  
 خواهد کرد و اگر نخواهید چون گذشته به  
 کس گویی ، فعالتی ، رد کم کردن وحدت  
 اعلام سواص پیدا زید ، ناگزیرید که به سوالات  
 مسائل مطرح شده متفق که در نقد برنامه  
 باصطلاح حزب کمونیستتان بروشنی مظهر  
 شده است ، با صراحت جواب بدهید .  
 در آخر یادآوری یک نکته را لازم میدانیم  
 برنامه ای که به منزه طلایی سرعت ما پانزده  
 ایدئولوژیک در نخلتد ، در سیاست غلطی از



### انتخاب

یشتیانی جدی سیز قرار نگرفته اند. سازمان دادن خانواده زندانیان و شهدا از کانهای ضاسب سازمانگری مقاومت در برابر رژیم است. این وظیفه ایست که کلمه نیروها و عناصر انقلاب باید آنها را تلان بگیرد بدین کشند. این ضدغیا بملت عدم توجه نیروهای سیاسی جنبش بقتن و اعمیت سازمان دادن مقاومت بوده ای در شهر سا میاشد. مقاومت در شهرها اگر سازمان یابند ه میترانند بعنوان یک پای اصلی جنبش در حفظ موقیعت، ااکمیت و گانه قدر، موثر خود را ایفا نمایند. بگوئیم تا با سازمان دادن مایمیت از حمتکار در تبرعای کردستان از ترضی - رژیم جلو گرفته و در تحکم هر چه بیت تر موقیعت انقلابی بوجود ویشمید آن نقش خود را بسد شایستگی ایفاء نایم.

با که کرامی عالی خود را را  
یاران رسانید

ایمورد سازماندهی و هدایت خواهند شه ما از تمامی نسل انقلابی در مدارس و مطلمان آگاه میخواهیم که با در پیش گرفتن این مشی و ایجاد شوراعا که تشکل صنفی دموکراتیک آنهاست به تقویت و تحکم مقاومت در مقابل رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی یاری رسانند

برخورد های خام و زحمت گریخته از تحرك سیاسی بر آوردار بده و برخوردی زند و مصطفویه. عین در سیاست خواهد داشت. کمونیستها همواره در اصول سرسخت اما در تاکتیک ضعیفند. اما سنا که با پریشانی تمدن از سرگشته مسا. لنتو با ا... بود با انتظاف در اصول را - بلی میگذرد و در تاکتیک سرسخت و غیر ضعیفند. در جریان واقعا در صافی مضامین یک پروسیستی آیت هم انداز ستاری در هیچ زمینه نداشته. در با یکدیگر ندادند. در شحه خط و نشان کشیدن و تهدید کردن از این نوع با دینهای با اصطلاح یاروز نسکی، ایفای ولسر در خرابیم حلقه و بیاندر سیاست کریزی رانترانی. در اتحاد یک سیاست عملی است. (۳)

### وظایف هریم . . . .

در سواد آموزی و غیره میباشند. باین ترتیب ارتقاء آگاهی و فعال شدن آنان زمینه برای بسیج در مقابل رژیم مهیاتر میشود. سواداران سازمان ما وضعیه دارند که بر انرژی و نیروی خود را در مدارس جهت پیش بردن خط تشکل صنفی دموکراتیک بصورت شوراهای مخفی، مدارس بکار گرفته و در راه تشکل گیری و پیشبرد شوراعا متمرکز گردنند. البته این بمعنی نفی و رد کردن فعالیست شخص سیاستشان نیست که توسط سازمان در

## اقتضای وقت و مقابله...

درک درستی از رابطه و توازن بین این حرکات  
توده ای و تشریفات ضد انقلاب حاکم نیست  
نیس آید. خصوصیات و جملتهای اساسی این  
حرکات کدامند؟ اول، این حرکات عموماً بر  
مبنی و مبسوط خواستههای اقتصادی و منفی  
کارگران در کارخانهها و کارگران و زحمتکشان  
در محلات مختلف شکل گرفته اند و رکن اعتراضی  
اسریه متحصلاً بهت نفس بری و کجود آب -  
عسرت گرفت. دوم، این حرکات عمراً در قبای  
تعرض رژیم نازیستی به منابع اقتصادی و حرود  
زندگی کارگران و زحمتکشان و محدود کردن  
آنها و بازرس رؤس پاره ای امتیازات اقتصادی  
که توده ها در اوز بهم ریشنی اوضاع پراز  
قیام بهمین به چنگ آورده بودند شکل میگردد.  
اینگونه امتیازات از قبیل برایای مالی و تسبیر  
ساعات کار در کارخانجات و کسب حق استفاده  
از بری و آب در محلات بود و است - رژیم  
اینگونه تعرضات را در مجموعه برنامه ای خود  
بهت راه اندزی برخیهای اقتصاد و صنایع -  
کشور انجام میدند که بهت خلعت ارتجایی  
بهت کراتیل آن بهت عرجه خانه حرا با تشر  
کردن زندگی کارگران و زحمتکشان تمام میشود

برایای مالی کارگران را اوقات فراغت آنها را  
کاهش میدهند تا صنایع سود آور شوند، بهت  
نواحی زندگی زحمتکشان را قطع میکند تا بهت  
صف خود در ناحیه انرزی صنایع و موسسات  
درستی بهت برده گردد. سوم، این حرکات خلعت  
رشد یابنده دانش و در پاره ای موارد مقنا -  
و شبهای پیروزیند (بهت زورت مقنسی) بود -  
اند. چهارم، حدت عمومی این حرکات  
حود بهت در بودن آنهاست. این حرکات -  
ناقد هدایت کننده آن برنامه مشخصه -  
ناکند، شمار و سازماندهی معینی است و  
بودن تمامی آنها بهت صورت حود بهتدی آغاز -  
گردیده و توده ها با استفاده از تجربه عملی  
مبارزاتی حود و بعضاً اتحاد تاکتیکی -  
نازه و آرزیه را بندان نامر آنها و مناطق  
پر رشت و آند و بهت اعتبار دست زده و آنرا  
کسترتش داده و نسب بهت رساندن حبر آن -  
سایر نقاط تلاش نموده اند. عیدیک از سازمان  
مائی سیاسی نفس نمایندگی در این حرکات  
نداشته اند. پنجم، خصوصیت که ایس  
حرکات را از تمامی حرکات توده ای پیش از  
قیام ۵۷ و دو برآند انقلابی بعد از آن -  
مشایز میکند نفس درجه اول و تمام طبقه  
◀ ▶

مورگ بر رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

## افسریه و مقاومت

کارگر در آن است. این زمان این کارگران در کارخانه‌جات صنعتی و در محلات زحمتکشان شد که آغازگر و ادامه دهنده همان مقاومت انقلاب در میان تمامی لایه‌ها و طبقا اجتماعا می‌باشند و رایحه حرکات اعتراضی در محلات یا تارخانه‌جات و محلات محل زندگی کارگران - بودن این محلات و شایسته توجه بسیار است. این خصم‌ها در مجموع نشانند خود و مقاومت کسریس یا بند و توده‌ها در مقابل تعرض رژیم فاشیست فوجاست. تعرضی که در جهت پیشبرد برنامه رژیم بود و جهت آن و همانطور که در شماره گذشته در بحث مربوط به مجلس خبرگان توضیح داده‌ام، راه اندازی اقتصاد و منابع بشیوه ارتجاعی - بوروکراتیک است. رژیم ضد انقلابی جمهوری است که بعد از شکست شدن موقعیت انقلابی بهمین ۵۷ قدرت را از کف انقلاب برود و بلحاظ قدرت سیاسی انقلاب را با شکست مواجهه نموده جهت پیشبرد برنامه خود پیوسته با مقاومت انقلاب روبرو و درگیر بوده است. در مقابل با برآمد انقلاب در بهار سال ۶۰ و بدلیل ابعاد توده‌های این برآمد که موقعیت خطیری را برای بقای رژیم بوجود آورد میبود و تمامی اراده و سازمان آن جهت سرکوب -

حس و نظم بکار گرفته ندهد. در آنرا این تعرض رژیم به انقلاب بدین توازن مشخص نیرو و یکپارچگی نسبی حکومتگران بخش‌هایی از نیروی سازمان یافته انقلاب و بصورت سازمان‌های سیاسی و تحس ضربات و خسارات عظیمی شدند که در این رابطه اتخاذ تاکتیک‌های انحرافی از جانب نیروهای سیاسی و مشخصا سازمان مجاهدین و بی تاثیر نبود و به سه صریح دیدن این نیروها جبر گردید. اما این تعرض رژیم قادر به سرکوب مقاومت توده‌ها و مشخصا طبقه کارگر ندرت بود. بلکه حرکات توده‌ای را به محاصره و محدودیت کشانید. در مقطع کنونی که رژیم در جهت پیشبرد برنامه سازمان دادن به زندگی اجتماعی - آسمه و در ادامه تعرضات قبلی خود و دست بکار تعرضات وسیع تر و تازه به زندگی کارگران و زحمتکشان گردیده و مواجه با مقاومت توده‌ها با تمامی آن خصوصیات که برشمرده‌ام گردیده است. این اساس تفاوت با آن درک‌های نتایج و رانشته از اوضاع است که موقعیت را اختلال انقلابی یا حتی شکل‌گیری برآمد جدید از باینی می‌نماید. اما این وضعیت از سوی دیدن بیخفت جوهر مقابله جوانان آن و برنامه رژیم در جهت سازمان دادن زندگی و ایجاد نظم و تعادل تازه طبقاتی در -



جامعه و در ستمیکه رژیم یکنوز قادر به اعمال آن نشده و مسئله قدرت نهیالیس موضوع روز بوده و ما میباید، خلعت را ملا سیاسی مقابله توده ای با رژیم ضد انقلابی را بنمایش بگذاریم. مقابله ایکه منطوق و متمرکز بر چهار بنویستام سیاسی است چرا که در تقابل با برنامه این رژیم برای نظم بخشیدن به جامعه صورت میگیرد و لاجرم قایل تحمیل در چهار چوب نظام سیاسی نمیباشد. مریه که این حرکات بر اساس - خواسته های مشخص اقتصادی و صنفی شکل میگیرند - در چنین اوضاع و احوالی تنها آن روشنفکران برج عاج نشین که اساس تفکر نهیلیستی رفقدان شم و انگیزشهای انقلابی در آنهاست موجب روز را شب دیدن و تاریکی را بر جهان صلح دانستن میدرد و به نتیجه گیری دیره رکود میرسند.

در موقعیتی که رژیم پیش از سر زمان لرزان بوده و در آرایش نیروهای درونی خود دچار موانع و مشکلات بزرگی گردیده ( در این رابطه قایل ذکر است که مجلس خیران بحلت پیش نرفتن کار آن دچار تعطیلی نامحدود گردید و مسولیت اداره سه وزارتخانه بحلت عدم توافق بر سر وزرای آنها به عهده نخست وزیر نهاده شد ) و مقاومت گسترش یافته و انقلاب افساد دیگری پیدا میکند - این مقاومت اگر با سازمان یافتگی و رهبری شایسته انقلابی توأم گردید

نه تنها به اعتقاد ما که بصورت خود پدید می آید هم قادر به تبدیل آست و دست یافته است. بحلت تعرض انقلابی و قطعی به نیولای فاشیسم ضجر شده و توان سرنگونی اعلای رژیم و روی کار آوردن حکومت شورائی را دارا میباشد. این است آن خصوصیتی که مسولیت و وندیه ما بعنوان نماینده راسترین طبقه کارگر سر صبه ایکه اکنون در رأس مقاومت انقلابی توده ای است و را با سنگین و برجسته بیبرار امر زمانی مطرح میسازد. مسیلتی که باید از طریق گسترش عریجه بیشتر میزند با طیفست و توده بنا و کانال اجرائی شود در جهت رفع نقاط صفت مقاومت انقلاب را بیاید.

خواسته های توده ای را رشد داده و در همه تاریخس آنها قرار داد. نشان دهد که مبارزه با فلاکت زندگی توده ها جز با حکومت شورائی امکانپذیر نیست. خلعت پراکنده مقاومت را به یکپارگی و ادامه کاری بدل نماید. خود بخودی در حرکات اعتراضی را به سازمان یافتگی توأم با تاکتینهای مناسب تبدیل ید کرده از برگشت به گذشته روحیه ارتجاعی که در روانشناسی حرکات خود بخوکی توده ای پیش میاید جلوگیری کند. چرا که توده ها زمانی که در تنگنای عظیم و فلاکت بی مهار

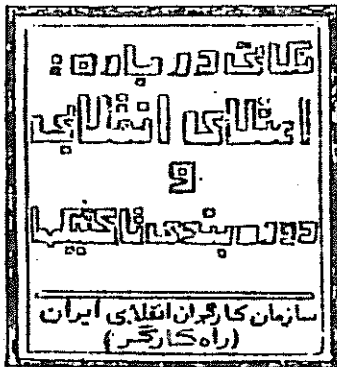


رژم سلطنتی و امیرالیسیم مشتمل است و بنظر  
بر این فرصتی برای آنها در جهت قدرت گیری  
و یا کک به ثبات رژیم فقها باقی نمی ماند.  
تمامی این وظایف و نظایر آن فعلیات  
نخواهد پذیرفت مگر آنکه ارتباط سازمانی به  
سورت ارتانیک و زنده با طبقه کارگر و توده ها  
در محیط کار و زندگی آنها، در جهت ارتقاء  
بخواستها و مبارزات آنها به سطح برنامه  
پرولتاریا برای این مرحله انقلاب یعنی برنامه  
ست لیری سوسیالیستی و حکومت شورائی و  
لاجرم تامین رعبری طبقه کارگر در مسیر پیروزی  
انقلاب حاصل شود. این مسیری استفاگرسیر  
که جز این طریق قادر به سازمان دادن حرکات  
یکپارچه توده ای و بوجود آوردن اراده ای -  
ملی در جهت سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری  
اسلام نخواهیم شد. ❁

## افسریه و مقایسه

قرار میگیرند بطور خود بخودی زمینه مناسبی  
براء زنده شدن و از گور بیرون آمدن نمیش  
گفته های غمباری که در مقایسه با وضعیت  
امروزشان قابل تحسن تر بوده، را فراموش  
می آورند. به عبارتی دیگر سیاسی های گذشته  
در مقابل سیاسی پرزنتتر امروزین رنگ میبازند  
و حتی لحظاتی خوبی از گذشته زنده میگردند.  
حتی فراموش میکنند که در زندگی نکتتبار  
گذشته نامی سیاسی ما موجود بوده و سیاسی  
سنگین امروزین ادامه همان وضع با شدت و  
اپناده پرزگتر است. در این رابطه در همین  
حزب انسریه شعارهای و سرچند محدود  
که خیلی زود گتر و محور گردیدند، دال -  
بر رجعت به گذشته ای که "برق و آب" داشته  
اند داده شده. کوی توده ها فراموش -  
میکند که مسئله کمبود انرژی و برق یکی از  
مسائل مهم و از تنگنای اصلی رژیم منفور  
شاه در دو سال آخر حکومتش بود، خاموشی -  
سای طولانی و رکودی که در اثر مسئله انرژی  
در سال ۵۶ ولوله ای درین رژیم شاه پیدا  
کرده بود. مقابله با این روحیه ارتجاعی  
از وظایف راست سرچند که در مجموع هنوز  
کینه خد سرطبقاتی در دل کارگران و زحمت  
کشان میهن عزیز ما بر علیه پرزوزاری انحصاری

منتشر شد.



## اخبار جنبی

توضیح : درباره نحوه ارائه اخبار در این نشریه و اساسا در مورد درکی که مال وظایف این صفحه داریم توضیحاتی را بنظر خوانندگان می‌رسانیم . " ریگای کریمکار " بدلت باشان به بودن انتشار آن و وجود رسانه‌های متعدد در سطح جنبی جهت انتشار اخبار نمیتواند صفحه اخبار خود را محدود کند . اخبار روز جنبی نباید . لذا مناسبترین وظیفه آن درج و انتشار اخباری است که در جای دیگری امکان انتشار نداشته اند و ثانيا بررسی و تحلیل اخبار و گزارشات منتشر شده یا نشده ، میباشد . تا از این طریق بتواند در جهت پیش برد وظایف اساسی نشریه ، با برخورد های تحلیلی با اخبار و گزارشات ، نقض خود را ایفا نماید . درج گزارشهای خبری خوانندگان که جنبه و شکل تحلیلی داشته باشند نیز در این صفحات جای میگیرد .

نگاهی به رزیداد های مرداد ماه جنبی در شهر سقز

پسری که باعث وحشت رژیم جمهوری اسلامی گردیده و بخاطر آرمانش شهید شده جایز نمیباشد .

① - ۱۳/۵/۶۲ ، رژیم در ایشروز بدنیال اقدامات سر روزه اش در سرکوب زحمتکشان به اقدامات سیمانه جدیدی دست زد . در این روز با حمله به بساط دستفروشیها و دکه داران ، با فشار آنها را وادار به جمع آوری بساط و دکه ساختن نمودند .

در این روز همچنین لاریهای متعلق به

② - ۱۳/۵/۶۲ ، در این روز ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی اسیر در چنگال رژیم فاشیستی

به جوخه اعدام سپرده شدند و به کاروان شمدای بخن خفته خلق پیوستند . نام دو تن از این شهدا علی قادرزاده و عثمان سبحانی اعلام گردیده است .

در هنگام تحویل لباسهای شهدا به خانواده ها ، پاسداران به پدربیکی از شهدا میگویند لباسها را بگیر و گریه کن که بلا جواب دندان شکنی از جانب پدر شهید روز میگردند . پدر میگوید گریه کردن برای



امید واهی دلی خوش میباشند که پیشترگان قهرمان را از دن محلات که امر خانه آن به عنوان شکر ~~تاریخ~~ آنان علیهمسکند بیرون نمایند؛ در این خیماره بارانهای رزم محله های کنار شهر بیشتر مورد امانت قرار گرفتند و خانه یک خیاط زن متکس نیز در اثر نگرانه خیماره آسیب دید که خود و خانواده امر نیز مجروح گردیدند.

(۲) - ۲۲/۵/۱۲۲ : حدود ساعت ۳ بعد از ظهر سه یا چهار سرمایه توسط افسر ناز جنگی که بوسیله یک نوجوان بسوی آنان پرتاب شده بود مجروح و کشته شدند.

مردم محل جهت پیشگیری از راکت ها در منزلت رزمی که بارها شاهد آن بوده اند شایع کردند که آنچه جز در اثر تارنقطه خود یا سدل ران صورت گرفته است رزم متعاقب آن دست به واکنش شدیدی زده تعدادی از اغانی محل را دستگیر کرده و تمام بازار را بسته و علاوه حکومت نظامی برقرار نمودند. مزدوران مسلح بالای پشت پاهای بلند سنکر گرفته و سعی در ارتعاب و ایجاد وحشت در میان مردم کردند.

(۳) - ۲۲/۵/۱۲۲ : در نیمه مای این شب سیاه برای دومین بار در یک ماه خلق رز شده و مبارز سقز یا یک امدام جمعی از زندانیان

محروم ترین مردم شهر (کاریچی نا) را بعد از جمع آوری در محله "قازاخانه" (قبلا به آنها اعلام کردند که ممکن در میدان جهت انجام کاری جمع شوند) با گرد در دست تکسته و نابود کردند. تاشیستها در اثر این عمل با واکنشهای مختلف و تند ایمن زمینکنان مواجه گردیدند. یکی از آنها فریاد میکرد از این زبان به بعد سرکجای شهر سرفتی انجام گرفت بدانید کار من است درین ۶ سرعائله دارم و باید آنها را سیس کسم.

(۴) - ۱۲/۵/۸۵ : در این روز بیشتر زندانیان سیاسی سقز را به تهران منتقل کردند. رزم برای انجام این انتقال بجات تمسکات زیاد زندانیان نا را به استفاده از اتوبوس های مسافری شده بود که موجب به تاخیر افتادن مسافرت تعداد زیادی از مسافران گردید. این عمل به خشم و نفرت مردم دامن زده است.

(۵) - ۱۲/۵/۱۲۲ : شب هنگام شهر شام درگیری و ضربه قهرمانانه پیشترگان بمزدوران مسلح رزم تاشیستی نقبا بود. مزدوران تسایین دندان مسلح رزم عاجز از پیشگیری ضریات مرگبار پیشترگان سرمایه کشته و خون همیشه نقاط و محلات شهر را با تسوی و خیماره از یادگان کوبیدند. تاشیستها باین

## اخبار جنبش . . .

سیاسی خود روبرو شدند. تعداد این شهدا خلق به ۱۷ تن میرسد که اساس تعداد از آنها به قرار زیر است:

• مسودا به کریمان، معروف کبیرتید رشود، منصور محمدی، کریمی و شعله ابراهیمی، حلس، وحید واحدی، احمد حاجی کریم، بهشتی.

به دنبال این اعدام و حشانه از سوی فاشیستها، روحیه اعتراضی و خشم تپاسی مردم را فرا گرفت. نردای این واقعه زنان زیادی جلوی سپاه پاسداران سرمایه جوع گردیدند. شدت گریه و زاری در این محله

حدی بود که عده ای از آنها به زودی از حان رفته و دچار شوکهای روحی شدند. يك دختر با يك حرکت ناکهانی قسمتی از موهای سر خود را کنده و پوست سرش نمایان گردید. يك پسر مرد خود را با چاقو مجروح نمود و يك زن در حالیکه میگرفت بسا فریاد میگفت آخر این لامذ سبها کی گورشان را کم میکنند و تمام جوانان را کشتند و کسی باقی نمانده است و مردم چرا قبول میکنند در اتر این عس و حشانه رژیم غم و خشم همه جا را فرا گرفته بود و خیابانها خلوت بنگر میرسیدند.

## مردم مبارز دستگیر!

با عملیات اعتراضی خود اعدامهای و حشانه رژیم فاشیستی نظامی را محکم و پیاپی میدان انقلاب دموکراتیک توده ای ایران را گرامی بدارم. فد - سازمان کارگران انقلابی ایران - سقر  
استقلال، آزادی، حکومت شورایی

در این رابطه رفقای سقر تراکنی در سطح شهر یخور نمودند که متن آنها در این قسمت ملاحظه میکنید

پاروز شهر پیرداختند در مرد تمسداد دستگیرها نظرات بیشتر ابراز تمسداد

۱۰/۵/۶۲، بین ساعات ۵/۵ ابعاد از نیمه شب تا ۲ صبح پاسداران سرمایه به دستگیری گسترده ای در میان زنان و دختران



مسئله یعنی تحویل محدود آرد را مستقیماً با مردم در میان ندارد و مسولیت دولت را در این باره مطرح نمی‌کند. ناگفته نماند که عجم آوارگان جنگی فراوان شهر باند که برای گریز از عداوت نازی از چند رژیم فقها با عراق به سقر کج کرد و اندک در این مورد بی تاثیر نمی باشد.

که حداقل آن ۱۸ نفر می‌باشد که در میان ایشان سه زن مبارز همراه کودکان خردسالانج - مشاهده میشوند. انعکاس خبر دستگیری و این هدیه در میان مردم شهر موجب خشم و نفرت گردید و همه نسبت به این عمل خصوصاً دستگیری سه مادر همراه کودکانشان ابراز انزجار می‌نمایند.

۱۵/۵/۶۲ ، بدنیاں درگیرهای

شکفته که "وک" که اخبار آن بطور گسترده در شهر اندکس داشته است، مزدوران رژیم بجا آورگان مردم منطقه جنازه‌بیشمرگان مهید را به روستاهای اطراف شهر ۵۰ جنازه به روستای آجی و ۴ جنازه به روستای قشلاق، منتقل و بصر و حنیانیه ای جلوی مساجد روستاها انداخته و نسبت به آنان توپین را داشته است. برتم این روستاها با خشم و نفرت فراوان - نسبت به رژیم جنازه‌های در زندان دلاور خود را جمع آوری و دین نمودند. جنازه‌های شهر با انعکاس خبر در شهر در باره آن تبلیغ - می نمودند.

وضع تهیه ارزای خصوصاً نان در شهر نسبت به گذشته سخت تر گردیده است. این موضوع ناشی از تحویل محدود و کم آرد به ۱۲ خانواده اصلی شهر می‌باشد. بطوریکه برای تهیه چند عدد نان ساعتها باید در صف نانوایها منتظر ماند. نانرا با علت این

بررسی رویدادها و برای آنکه دستمای مناسبی از برخورد با این رویدادها و حوادث مشابه در شهر شای دیگر کردن دانسته باشیم که راه مبارزه را با رژیم فاشیستی و اقبای سرزنونی آن را روشن تر نماید و نیاز به بررسی همه جانبه آنها و یافتن نقاط ضعف و قوت دشمن و نیروهای خود را داریم.

رژیم، همانطور که از این رویدادها بخوبی مشهود است و در حددها هم گسترده برای پس راندن مقاومت توده ای و بی - آبرودن - مواضع، دید در مقابل توده - ناست. این برنامه که در سرکوبی سراسری رژیم نیز تعقیب میشوند در کردستان بیعت موقعیت خاص - "قدرت دوگانه" آن معنی ویژه ای دارد و آن چرخاندن قطعی ترازن نیرو بیخ خود و لاجرم شکستن موقعیت انقلابی در کردستان قهرمان است. رژیم این خط را در تاپسل و



تساجم گسترده به مناطق آزاد نیز با سرعت  
 ایجاد می سابقه بین میگردید خصوصیت حرکت  
 رژیم در کردستان در این وضعیت تعیین شده  
 ایجاد عظیم زمین مبارک سرکوب بوده آیات است  
 که با داشتن خصیصه اجاب در جهت همان  
 برنامه رژیم عمل میکند اما این خصیصه حرکت  
 رژیم که اخیرا ایجاد می گسترده می آید پیدا  
 نموده و از یکسو ناشی از وجود عقاب مستور و  
 می گسترده در مقابل آن یعنی حالیت دو  
 گانه است و از سوی دیگر بعقل همین تفاوت  
 بود مان گسترده نمود در مقابل با حاکم مسلط آن  
 یعنی نیروی پیشرفته از گریگاری لایم برخوردار  
 است تا این لحظه از مبارزه این بهترین  
 نقطه قوت جنبش و یا ششم آسید رژیم نامشخص  
 قضا بود است همان نقطه قوتی که اگر  
 جنبش سراسری نیز از آن برخوردار بود امروز  
 صحنه سیاسی ایران رنگ دیگری داشت  
 این سرکوب و اجاب برای مدت سیاسی آن  
 که تمامی لایه های خلق را قانع میگردند در  
 ایجاد دستف برنامه رژیم برای راه اندازی  
 انتشار و عقاب بر نظر بر طبقه کارگر و موجه  
 تلاکت زده ترین لایه های زحمتکش جامعه  
 یعنی خود و حاشیه تولید (که در و تاریخی  
 و غیره) نیز می آید فشار نه و حاشیه  
 تولید و برآورده نکردن خواسته های آسید  
 موضوعی است که در سراسر ایران به وضع

شاهد می شود و این نشانگر آن است که  
 این رژیم و ما که به انتخاب و نیروی  
 فتنان قاعیت بوده و انفعالیست در افکار  
 با آنها و غیر آمدن خود برنامه بر رزیم  
 برای این مرحله از انقلاب را دارند و وظیفه  
 ماست که با درک درست این وضعیت و گد  
 آمدن خود حاشیه تولید و در این برنامه  
 تاریخی شان یعنی بر رزیم را مبارزان دهم  
 بورسی این رویه را از راه دیگر نشان  
 دهند و این است که نواز و ما در مقابل  
 سرکوب رژیم از جوان مبارزان پانانی برخوردار  
 هستند و در این جهت مبارزت به حرکت  
 خود انگیزه نیز نموده اند این حرکات  
 خود بخودی از تمام خصوصیات و خصیصه های  
 سازمان نیافتگی برخوردارند خود آزاری و  
 خود زنی که در چند مورد دیده شده  
 نشاید باشد هیچ غشم و نفرتی است که بیست  
 عدم حضور عنصر آده برای جهت دادن و  
 پیشروین این ششم و نفرت در تا ناال صحیح  
 مبارزاتی و در چنین اشکال انحرافی متعلق  
 میشود خانواده شهدا و زندانیان سیاسی  
 که می توانند جهت مقابل با فشار رژیم  
 زندانیان و جوانی که از اعدای و شریک  
 سازمان یافته و حرکات مؤثری انجام داده  
 اند تنها بخوبی هدایت نشده اند بلکه در  
 بقیه در صحنه ۲۶

# نگاهی به بیانیه اخیر گومله و اتحاد مبارز گومنیست

اخیرا بیانیه ای از طرف گومه له و اتحاد مبارزان گومنیست برای اعلام مواضعشان بجهت بود سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران و سازمان با سادرتده است که درجده این بیانیه در رابطه با الحرفات ایدئولوژیک سیاسی ایسی جریان جاری نگاشته جدیدی نیست اما معینت که خصوصیت خاصی جریانانی از این دست و روشی به حوزه های تخصصی دارند میزنند و انحرافاتشان که تاکنون در پرتوئی کلی گویی و جملد بران برای مطلق مستور بود و غریبان شده و برخورد مشخص با آن امکان پذیرتر میگردد. هدف ما در اینجا اعلام مواضعمان در باره این جریان نیست و چرا که در گذشته مواضع خود را در باره شان اراشد داده و دو آینه شده نبریه برخورد در این زمینه ادامه خواهیم داد. بلکه بیشتر به انحرافاتش که در ایسن بیانیه خود را نشان داده و انحرافاتش که در گذشته تلاطم میکردند که آنها را پرده پوشی

بها ۵ ریال

# افسردگی و مقاومت گسترش یابنده انقلاب

اوانل تابستان تهران شاهد حرکت اعتراضی پهنی از توده های زحمتکش و فلاکت زده معین ما در منطقه افسردگی بود. این حرکت آندونی که بعضی ها فکر میکنند مغرب رسد در آسان بی ابر تهران نبود. این حرکت حلقه ای از حلقات زنجیره ای مقاومت بود. های نگه در نیمه دوم سال ۶۱ جلوه خاصی پیدا کرده بود. به حساب بی آید زنجیری از مقاومت انقلابی که برجستگی حرکات خود را در دل کارخانجات یا حرکات اعتراضی و اعتصابی طبقه کارگر تهرانی ایران عیان کرده و در محلات مختلف کارگری و مناطق زندگی زحمتکشان همون شاهد تیره قلمه حسن خان را و و تمام خود را بر روی داده و بعد از افسردگی در تاز آباد و دروازه ناور و مواد به گسترش خود را بد نشان میدهد. این مجموعه در بستر دوران انقلابی که میبین ما در آن بسر میرد و روزگی ما و خصوصیات سمبلی دارد که بدون بررسی دقیق آنها - بیوشراقتی این حرکات روشن نگشود و لاجرم

پیدایش به نسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!